


بررسی کیفی نقش پیشگیرانه پلیس زن در افزایش احساس امنیت اجتماعی پس از بحران زلزله کرمانشاه

سمیه کاظمیان  * | دانشیار گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

چکیده

نیروی انتظامی پس از وقوع بحران، می‌تواند در ایجاد احساس امنیت برای مردم منطقه بحران‌زده نقش مؤثری ایفا کند. این پژوهش با هدف بررسی نقش پیشگیرانه پلیس در افزایش احساس امنیت اجتماعی پس از بحران زلزله کرمانشاه انجام گرفت. جامعه‌ی پژوهش شامل کلیه کارکنان نیروی انتظامی بود که پس از زلزله کرمانشاه در منطقه حضور یافتند و درصدد برقراری امنیت اجتماعی می‌کوشیدند. از میان جامعه مذکور نمونه‌گیری به صورت هدفمند تا حد اشباع (۱۷ کارمند نیروی انتظامی) ادامه یافت. در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش پدیدارشناسی استفاده گردید. به این ترتیب که با کمک مصاحبه ساختارنیافته اطلاعات مرتبط با افراد نمونه جمع‌آوری شدند. نقش بازدارندگی شامل نقش بازرسی و بازجویی، نقش رصد و شناسایی، نقش مقابله‌ای و مواجهه‌ای و عملکرد نظارتی و کنترلی شد. نقش مراقبت پیشگیرانه؛ شامل پیشگیری از بحران‌های آتی، نقش آگاهی بخشی، نقش حفاظتی و نقش انضباط عملکردی در سه زیرمجموعه نقش شامل امنیت بخشی مقتدرانه؛ هدفمندسازی اقدامات؛ اصلاح سیاستمدارانه رفتار؛ نقش تنویر افکار عمومی طبقه‌بندی شد. این بررسی نشان‌دهنده نقش محوری است که زنان پلیس می‌توانند در ایجاد احساس امنیت اجتماعی ایفا کنند. همچنین بیانگر آن است که جامعه با توجه به ملاحظات فرهنگی-اسلامی به حضور پلیس زن در مداخلات انتظامی نیاز دارد.

کلیدواژه‌ها: پلیس، نقش پیشگیرانه، احساس امنیت اجتماعی، بحران زلزله کرمانشاه.

مقدمه

یکی از پیامدهای زلزله به‌عنوان یک موقعیت و وضعیت خاص ایجاد شده در جامعه پرخاشگری، غارتگری، ناامنی و ترک اجباری است. (عسکری، ۱۳۹۵). انسان با مشاهده رخدادی که مستقیم و یا غیرمستقیم با تعلقات و منافع مادی و معنوی وی در تضاد باشد و به‌نوعی خاطر جمععی، اطمینان، ایمنی، آسودگی او را تحت تأثیر قرار دهد، احساس ناامنی می‌کند (ساروخانی و هاشم نژاد، ۱۳۹۰). ترس و ناامنی در طی زمان تأثیرات مخرب و منفی بر کیفیت زندگی دارد و منجر به مراقبت و محافظت غیر ضروری مردم از خودشان شده و آن‌ها را از فعالیت‌های اجتماعی بازمی‌دارد و سطحی از بی‌اعتمادی را نسبت به دیگران افزایش می‌دهد. (دانگس، ۲۰۰۰ به نقل از دربان آستانه، ۱۳۹۳)

مفهوم احساس امنیت از شاخصه‌های کیفیت زندگی است و رابطه‌ای مستقیم با امنیت واقعی ندارد و وجود و یا عدم وجود آن لزوماً به معنای بهره‌مندی یا محروم شدن از امنیت واقعی نیست (زیاری، عیوضلو، عیوض لو و ریکا، ۱۳۹۲). امنیت از نیازها و انگیزه‌های اساسی انسان به شمار می‌آید. به‌طوری‌که با زوال آن آرامش خاطر انسان از بین رفته و تشوش، اضطراب و ناآرامی جای آن را می‌گیرد (بنی فاطمه و سلیمی، ۱۳۹۰)

احساس امنیت تلفیقی از عوامل فردی، روانی و اجتماعی تلقی می‌شود. امنیت بعد عینی مسئله و احساس امنیت به‌عنوان بعد ذهنی تلقی می‌گردد. موقعیت و وضعیت خاص حاکم بر یک جامعه می‌تواند یکی از علل مهم احساس ناامنی باشد که فرد به خاطر پاره‌ای از آن عوامل احساس ناامنی کند (یاری و هزارجریبی، ۱۳۹۱)

اگرچه نمی‌توان حوادث ناشی از زلزله را به‌طور کامل حذف نمود، ولی آسیب‌های ناشی از آن را می‌توان کاهش داد (حیب، ۱۳۹۰). یک استراتژی کامل که می‌تواند اهمیت نقش‌هایی را که ما، برای رسیدن به سطح مطلوبی در حوادث و بلا یا ایفا می‌کنیم مشخص نماید، ایفای نقش فعالانه افراد و سازمان‌هاست (عسکری، ۱۳۹۵).

پیشگیری از وقوع جرم از جمله وظایف مهم پلیس است؛ که انواعی دارد که از آن میان می‌توان به پیشگیری انتظامی، وضعی و اجتماعی اشاره کرد. پیشگیری انتظامی که به

مهار و کنترل جرم از طریق اقدامات پلیسی از طریق گشت‌های انتظامی و حضور ملموس و مؤثر پلیس در سطح شهر در جهت جلوگیری از اعمال مجرمانه و کاهش تکرار جرم در چارچوب قانون می‌پردازند (بیات، شرافتی پور و عبدی، ۱۳۸۷). پیشگیری اجتماعی به آن دسته از تدابیر و اقدام‌هایی گفته می‌شود که با مداخله در فرآیند رشد افراد، بهبود شرایط زندگی آن‌ها و سالم‌سازی محیط اجتماعی و طبیعی، به دنبال حذف و یا کاهش علل جزا و در نتیجه پیشگیری از بزهکاری است. (نیازپور، ۱۳۸۳). با توجه به کارکردهای اجتماعی متعددی که پلیس می‌تواند در پیشگیری از جرائم داشته باشد مهم‌ترین آن‌ها حضور مأموران به‌عنوان تعلیم‌دهنده، ارائه اطلاعات به جامعه، حمایت از بزه دیدگان، ایفای نقش به‌عنوان مربی و الگو و مشارکت در عدالت ترمیمی و میانجی‌گری است (ذوالفقاری، فعال، ۱۳۹۳).

اعتماد عمومی و عدم نگرانی از وقوع جرم در اجتماع یکی از عوامل مؤثر بر احساس امنیت اجتماعی هستند که این مؤلفه‌ها از حضور محسوس پلیس در جامعه و رفتار مناسب پلیس در رابطه با پیشگیری اجتماعی و برخورد با جرم و جنایت ناشی می‌شود (اشتری فرد و فقیه، ۱۳۹۴).

در این میان پلیس زن به علت نوع جنسیت و ویژگی‌های خاص روحی و روانی و مهارت در برقراری ارتباط، به‌خصوص ارتباطات کلامی در پیشگیری اجتماعی موفق عمل خواهد کرد و چنانچه بتواند با سایر نهادهای اجتماعی به‌خصوص نهادهای پایه‌ی آموزش و تربیت، ارتباط صحیحی برقرار کند اهداف ناچا را در مورد زنان و دختران جامعه تا حد چشمگیری محقق خواهد کرد (مدبر و چوپانی، ۱۳۸۹).

پانتازیس^۱ (۲۰۰۰) بیان می‌کند افراد به میزانی که احساس آسیب‌پذیری می‌کنند، به همان میزان احساس ناامنی می‌کنند. از آنجایی که زلزله‌ها سبب آسیب‌های روانی-اجتماعی و کاهش سلامت عمومی جامعه می‌شوند (درستیان و درستیان، ۱۳۹۰) از اهداف نیروی انتظامی در شرایط بحران، پیشگیری از وقوع جرم و درنهایت ایجاد احساس امنیت

اجتماعی در جامعه بوده است؛ اما پژوهش‌های پیرامون موضوع، نشان می‌دهد که ایجاد احساس امنیت اجتماعی در کنار پیشرفته‌ترین سیستم‌های امنیتی نیز به‌نوعی، باز دغدغه‌ی کارشناسان و مسئولان این امر است. با توجه به این امر و اهمیت احساس امنیت اجتماعی در جامعه بحرانی پژوهشگران در صدد پاسخ به این سؤال برآمدند که نقش پیشگیرانه پلیس زن در ایجاد احساس امنیت اجتماعی پس از بحران زلزله کرمانشاه چیست؟

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر کیفی از نوع پدیدارشناسی توصیفی بود. پدیدارشناسی به دنبال این امر است که چگونه افراد معانی را برای پدیده‌های مختلف ایجاد می‌نمایند. در این نوع روش تحقیق، فرد درگیر ایجاد معنا برای پدیده‌های اطراف خود است زیرا فرد از نظر این روش جهان را با و از طریق دیگران تجربه می‌کند (اعرابی و بودلایی، ۱۳۹۰). مسئله اساسی و لازم برای کاربرد روش پدیدارشناسی پاسخ به این سؤال است که آیا پدیده‌ی موردنظر نیاز به روشن‌سازی دارد یا خیر؟

جامعه و روش نمونه‌گیری: جامعه آماری پژوهش حاضر تمامی کارکنان زن نیروی انتظامی ساکن در مناطق زلزله‌زده کرمانشاه می‌باشد. روش نمونه‌گیری در این پژوهش کیفی روش نمونه‌گیری هدفمند بود که در آن پژوهشگر شخصاً در مناطق زلزله‌زده حاضر شد و پس از شناسایی افراد فرایند مصاحبه را با آن‌ها شروع کرد.

حجم نمونه مورد مطالعه در پژوهش‌های کیفی کاملاً مشخص و از پیش تعیین شده نیست. در روش کیفی نمونه‌گیری تا زمانی که داده‌ها به حد اشباع نرسیده‌اند و محقق همچنان اطلاعات جدیدی را به دست می‌آورد ادامه دارد. یافته‌های این پژوهش با تعداد ۱۷ نفر از کارکنان نیروی انتظامی به اشباع رسید.

روش اصلی در جمع‌آوری داده‌ها مصاحبه ساخت نیافته^۱ و با استفاده از سؤالات باز است. به‌عبارت‌دیگر گفتگوی عمیق و ژرف محقق و شرکت‌کنندگان درباره پدیده

موردبررسی است. در این نوع مصاحبه به دلیل آنکه هم محقق و هم پاسخگو از آزادی عمل بیشتری برخوردارند، محقق بدون اینکه سعی کند تا جهت خاصی به گفتگو بدهد سعی می‌کند به دنیای غیررسمی و تجربیات زندگی فرد دست یابد. مصاحبه معمولاً دو طرفه است و زمانی تمام می‌شود که شرکت کنندگان فکر کنند که اطلاعات کافی داده‌اند. استفاده از سؤالات باز و یادداشت‌برداری از سخنان افراد همچنین استفاده از ضبط صدا و نسخه‌برداری از عین کلمات افراد، از روش‌های جمع‌آوری داده‌ها هستند.

یافته‌های پژوهش

در رابطه با یافته‌های پژوهش حاضر، لازم است ابتدا خصوصیات جمعیت شناختی (سن، تحصیلات، شغل، سابقه کار و جنسیت) مشارکت‌کنندگان مشخص شود (جدول ۱) تا به این ترتیب با توجه به آشنایی بیشتری از آن‌ها، فهم بیشتری از تحلیل متن مصاحبه‌ها ممکن گردد.

جدول ۱. حالات جمعیت شناختی مورد مطالعه

ردیف	سن	تحصیلات	شغل	سابقه کار	جنسیت
۱	۴۵	لیسانس	رئیس پلیس منطقه (نیروی انتظامی)	۱۷	مرد
۲	۴۱	دیپلم	نیروی انتظامی	۱۹	زن
۳	۵۳	فوق‌لیسانس	نیروی انتظامی	۹	زن
۴	۵۷	فوق‌لیسانس	نیروی انتظامی	۱۸	زن
۵	۳۹	لیسانس	نیروی انتظامی	۵	زن
۶	۳۸	لیسانس	نیروی انتظامی	۱۲	زن
۷	۴۲	لیسانس	نیروی انتظامی	۱۷	مرد
۸	۴۳	لیسانس	فرماندار	۱۷	مرد
۹	۳۴	دیپلم	نیروی انتظامی	۴	مرد
۱۰	۳۶	لیسانس	نیروی انتظامی	۸	زن

ردیف	سن	تحصیلات	شغل	سابقه کار	جنسیت
۱۱	۴۱	فوق لیسانس	نیروی انتظامی	۲۱	مرد
۱۲	۲۹	فوق لیسانس	نیروی انتظامی	۹	زن
۱۳	۴۷	دیپلم	نیروی انتظامی	۱۷	مرد
۱۴	۳۵	لیسانس	نیروی انتظامی	۱۰	مرد
۱۵	۴۵	فوق لیسانس	رئیس کلانتری سرپل (نیروی انتظامی)	۱۸	مرد
۱۶	۴۹	لیسانس	نیروی انتظامی	۹	مرد
۱۷	۴۵	لیسانس	نیروی انتظامی	۱۱	مرد

در مجموع ۱۷ زن و مرد که در زلزله کرمانشاه حضور داشتند و به مدت دو ماه از کنشگران فعال در منطقه بودند در پژوهش حاضر شرکت نمودند. از این میان ۷ نفر زن و ۱۰ نفر مرد بودند. میانگین کلی سن شرکت کنندگان ۴۲/۲۹ سال بود؛ که به تفکیک جنسیت میانگین سن زنان ۴۱۱/۸۵ و میانگین سن مردان ۴۲/۶ سال بود. تحصیلات آنان نیز در بازه‌ای از دیپلم تا فوق لیسانس قرار داشت؛ که از این میان ۱۴/۲۸ درصد از زنان و ۲۰ درصد از مردان در مقطع دیپلم، ۴۲/۸۵ درصد از زنان و ۶۰ درصد از مردان در مقطع لیسانس و ۴۲/۸۵ درصد از زنان و ۲۰ درصد از مردان در مقطع فوق لیسانس بودند.

جدول شماره ۲. مضامین اصلی و فرعی مرتبط با نقش پیشگیرانه پلیس زن

واحد معنایی (مفاهیم اولیه)	درون‌مایه فرعی (مضامین فرعی)	درون‌مایه اصلی (مضامین اصلی)
شناسایی و پیگردی مجرمان سابقه‌دار		
دروغ‌سنجی مجرمین		
راست آزمایی نیازمندان		
شناسایی و پیگیری افراد آسیب‌دیده	نقش رصد و شناسایی	
شناسایی نامحسوس آسیب‌ها		
شناسایی ترفندهای مجرمین زن		
سرکشی به کمپ‌ها و پوشش دهی امنیت شهری		

نقش بازدارندگی

	شناسایی و ادراک موقعیت پرخطر
	احراز هویت کنشگران منطقه و جمعیت سیار
نقش بازرسی و بازجویی	تفتیش مظنونان زن
	بازرسی چادر و کانکس‌ها
	استتطاق مجرمین زن
	ترغیب مجرمین زن به اعتراف
نقش مقابله‌ای و مواجهه‌ای	متوقف سازی الگوهای تکرار شونده جرم
	ممانعت از اقدامات سودجویانه
	ممانعت از تله‌های زنانه در صحنه جرم
	ممانعت از برخورد فیزیکی زنان
عملکرد نظارتی و کنترلی	کنترل بزهداران و سوءاستفاده گران در منطقه
	کنترل ورود و خروج
	نظارت بر رفتارهای مجرمان پس از دستگیری
	کنترل و ضبط کالاهای غیرقانونی
	نظارت بر عملکرد کنشگران
نقش آگاهی بخشی	آموزش به افراد در حوزه خود مراقبتی و دیگر مراقبتی
	شفاف سازی قوانین جهت محدودسازی
	آموزش‌ها و هشدارهای امنیتی
	آموزش برخورد با مجرم به شهروندان
	اطلاع‌رسانی به خانواده‌های قربانیان
	شفاف‌سازی قوانین جهت احقاق حق
	آموزش برخورد با مخاطرات نوظهور
	آموزش مهارت‌های رفتاری و شرایط بحرانی
	آگاه‌سازی از جرائم حاصل از آسیب‌ها
	پیش‌بینی رفتار افراد پرخطر در شرایط بحران
پیشگیری از بحران‌های آتی	پیشگیری از سرایت مسائل خانوادگی به مراحل قانونی
	پیشگیری از آسیب‌های حاصل از جرائم
	پیشگیری از جرائم حاصل از آسیب‌ها
نقش حفاظتی	حفاظت از حریم شخصی افراد آسیب‌پذیر
	ایمنی سازی محیط‌های مختص بانوان

	محافظت از شأن زنانه در امور انتظامی
	حفاظت از اطلاعات شخصی قربانیان
	مراقبت از مواضع اتهام زنی در صحنه جرم
	محافظت از اعتبار و حیثیت پلیس
	استقرار یابی در موقعیت‌های اضطراری
	مداخلات انتظامی متناسب با بافت بومی منطقه
	مداخلات انتظامی متناسب با شخص
	مداخلات انتظامی متناسب با منطق موقعیت
	وظیفه مندی بر مدار همدلی و فهم
هدف‌مندی اقدامات	عملکرد پیگیرانه بر مدار دقت
	بینش‌افزایی بر مدار نیازسنجی مخاطب
	مستندسازی مدارک جرم
	ختنی‌سازی تله‌های مجرمین
	طراحی عملیات روانی
	اقتدارورزی بر مدار ملاطفت
	تداوم بخشی بر حضور مقتدرانه در بحران
	تعاملات قاطعانه با مجرمین زن
امنیت بخشی مقتدرانه	برخورد قاطعانه در برهم زنی ضوابط عمومی
	مرز‌گذاری روشن و شفاف در تعاملات
	فعال‌سازی قوا بر مدار سرعت
	نظم بخشی در عین نظم‌مداری
	تقویت بعد سالم شخصیتی مجرم
اصلاح سیاستمداران رفتار	اصلاح رفتار مجرم بر مدار تغافل
	یاری‌رسانی در تصمیم‌گیری مجرمین زن
	تنظیم هیجانات مجرم و بزه دیده با گفتگوی هدفمند
	شایعه زدایی
نقش‌تنویر افکار عمومی	مقبولیت بخشی به جایگاه نقشی
	روشن‌سازی نقش خود در منطقه
	فرهنگ‌سازی اشتغال زنان

وقوع زلزله و آشفتگی‌های بعد از آن بستر را برای حضور افراد مجرم و سابقه‌دار در منطقه مهیا می‌سازد در این میان زنان مجرم و سابقه‌دار به دلیل عدم توانایی در باز اجتماعی شدن خود، این بستر را جهت ارتکاب مجدد جرم مثبت ارزیابی می‌کنند و در این میان پلیس زن با شناسایی و پیگردی این مجرمان می‌تواند از وقوع آسیب و جرم بیشتر جلوگیری نماید. به‌عنوان مثال مشارکت‌کننده‌ای بیان می‌کرد:

«از شهرهای اطراف خیلی‌ها اومده بودند، تو این افراد بودن خانم‌هایی که شاید یک جورایی یک قصدهایی داشتن. به نظر من اگر یک تیم یا یک گروه از خانم‌های تحصیل‌کرده در غالب پلیس برای شناسایی این افراد حضور داشتند، شاید می‌شد جلوی به سری خلاف‌ها رو می‌شد گرفت». (نیروی انتظامی. مرد)

در شرایط بحرانی که تشخیص واقعیت از غیر آن شاید امری دشوار به نظر برسد، توجه به حالت‌های بدنی و رفتارهای خارج از شیوه معمول که نشان‌دهنده پنهان‌کاری است با دقت نظر در شیوه رفتاری افراد مجرم امکان‌پذیر است تا بتوان دروغ بودن مسئله را بررسی کرد. زنان پلیس با دقت نظر و همراه کردن تجربه‌های خود می‌توانند در این زمینه نقش مؤثری در تشخیص واقعیت از غیر واقعیت را داشته باشند. مشارکت‌کننده‌ای بیان می‌کرد:

«خیلی از خانم‌های مجرم بسیار قهار در دروغ‌گویی هستند. خب باید معلوم بشه راست می‌گه یا نه؟ همکاری خانم ما خیلی تجربه کاری دارند، انصافاً از چهره زنیش بگیر تا ارتباط کلامی که داشت واقعاً تجربه حرف اول رو می‌زد، خوب تشخیص می‌دادند که دروغ می‌گه یا نه». (نیروی انتظامی. مرد)

همچنین راست آزمایی نیازمند از دیگر نقش‌های مؤثر و تأثیرگذار پلیس زن در بحران محسوب می‌گردید. به‌عنوان مثال مشارکت‌کننده‌ای بیان می‌کرد:

«من می‌دیدم خانم‌هایی رو که برای گرفتن امکانات بیشتر شاید یک جورایی اون حس حریصانه بودن، اون حس اینکه قانع نمیشن قناعت نمی‌کردن و زیاده‌طلبی می‌کردن و دچار تخلف‌هایی می‌شدند و نیاز هست که به خانم پلیس بتونه اونا را ارزیابی کنه. یکی دیگه هم بود که به چادر مسافرتی خالی داشت و تو

یه چادر زندگی می‌کرد و تو چادر مسافرتی‌اش را پراز هیتز برقی کرده بود و بعد
اونا رو می‌فروخت». (نیروی انتظامی. زن)

شاید اولین قربانیان آسیب‌های اجتماعی ناشی از شرایط آشفته بعد از زلزله کودکان و زنان هستند و پیشگیری از آن در وهله اول مستلزم آن است که قربانیان و خانواده‌های آنان از این که آبروی آن‌ها در معرض خطر است ترسی نداشته باشند. از آنجایی که پیگیری این موارد، مشکل را برای آن‌ها پیچیده‌تر می‌کند اصولاً موارد تجاوز پیگیری نمی‌شود؛ اما شناسایی این افراد توسط پلیس زن و هشدار به خانواده‌های آن‌ها جهت پیگیری و جلوگیری از آسیب‌های روان‌شناختی ناشی از آن می‌تواند از بروز مشکلات بعدی برای این خانواده‌ها جلوگیری نماید. به‌عنوان مثال مشارکت‌کننده‌ای بیان می‌کرد:

«من با یه عده از همکارا رفتیم برای شناسایی از یه بچه پرسیدم این چادر برای چی اینجا؟ این بچه چنان ترسی بهش آمد. من گفتم این موضوع مشکوکه و بعد که جست‌وجو کردیم فهمیدیم چند تا جوان اومدن تو اون چادر و اجازه ندادند والدین بچه‌ها وارد بشن و معلوم نیست سر این بچه چه بلایی آورده بودند و فهمیدیم حدس من درست بوده. ولی قطعاً همکارای مرد من از کنار این مسئله می‌گذشتند». (پلیس. زن)

و یا دیگری می‌گفت:

«تو تیم غربالگری پلیس که برای موارد روان‌شناسی اومده بودند خانمی بود که نامشروع باردار شده بود و تن فروشی کرده بود ولی این تیم نمی‌دونست باید چه جوری این فرد رو راهنمایی کنه که بچه‌اش رو چی کار کنه و چه جوری شناسنامه بگیره. اگر یه پلیس خانم بود می‌تونست این اطلاعات رو بهش بده و قضیه‌ی این خانم رو پیگیری کنه. به هر حال اون هم یه قربانیه». (نیروی انتظامی/خانم)

به همین ترتیب با وجود فرهنگ حاکم بر جامعه شناسایی نامحسوس آسیب‌ها نیز امکان رسیدگی به آن‌ها را افزایش می‌دهد. شرکت‌کننده‌ای بیان می‌کرد:

«اینجا باید پلیس‌های خانم حضور داشته باشند، چون معمولاً پلیس خانم برای کسی مشخص نیست که این خانم پلیس هست یا نیست و کمتر بهش شک می‌کنن، بتون یه جورایی به طور نامحسوس حضور پیدا کنند در قالب اینکه بتونن تشخیص بدن که کجاها داره اتفاقی می‌افته شاید کمک بزرگی کرد. پلیس زن راحت‌تر می‌تونه خودشو استتار کنه». (نیروی انتظامی. مرد)

همچنین پلیس زن با شناسایی و رصد ترفندهای مجرمین زن که می‌خواستند با استفاده از آشفتگی و نابسامانی شرایط مدرک جرم را از بین ببرند لازم و ضروری به نظر می‌رسید. شرکت‌کننده‌ای بیان می‌کرد:

«ما خانم‌ها ریزه کاری‌های رفتاری هم رو بهتر می‌شناسیم و اشاره‌ها را بهتر می‌فهمیم و همین مسئله تو مأموریت‌ها خیلی کمک کننده است مثلاً یه خانمی به شوهرش اشاره می‌کنه که من مواد رو تو دهنم گذاشتم و اونجا یه خانم پلیس دقت بیشتری تو این مسئله داره و می‌تونه از یه اتفاق جلوگیری کنه» (پلیس. زن).

سرکشی به کمپ‌ها و پوشش دهی امنیت شهری جهت پیشگیری از وقوع جرم حضور زنان پلیس را خصوصاً در ماه‌های اول زلزله ضروری می‌کرد. مشارکت‌کننده‌ای می‌گفت:

«ما تو یک ماه اول خیلی مشکل داشتیم و خیلی سوء استفاده‌ها شد. اگر یه خانم پلیس بین کمپ‌ها حضور داشت و اونجا و رصد می‌کرد و بر وضعیت معیشتی خانم‌ها و یا اینکه با چه کسانی در ارتباط هستند و به چه کسانی نزدیک می‌شوند خیلی بهتر بود و کمتر جرم اتفاق می‌افتاد (نیروی انتظامی. زن)

زنان و مردان تشخیص‌های متفاوتی از موقعیت‌ها دریافت می‌کنند که این امر در شناسایی و ادراک موقعیت‌های پرخطر امر بسیار مهمی است. به‌عنوان مثال مشارکت‌کننده‌ای بیان می‌کرد:

«خانم‌ها ریزینی شون بیشتر هست و مسائل رو بهتر می‌بینند مثلاً تو بحران که تجمع زن‌ها و بچه‌ها بیشتره حالا برای گرفتن اقلام و ... یه خانم پلیس خیلی

راحت‌تر موقعیت‌هایی رو که ممکنه برای اون زن و بچه خطرناک باشه رو درک میکنه و یا افراد سودجو تو این موقعیت‌ها رو بهتر میشناسه. من به‌عنوان پلیس زن موقعیت‌های خطر برای زن و بچه‌ها رو زودتر می‌تونم تشخیص بدم و به همکارانم اطلاع بدم چون خودم یک زنم». (پلیس. زن)

شناسایی و احراز هویت کنشگران منطقه به‌خصوص کنشگران زن و پیگیری حضور آنان در منطقه جهت فعالیت‌های امدادی از نقش‌هایی است که پلیس زن می‌توانست از سوءاستفاده‌گری در قالب شکل‌های ویژه پیشگیری کند. مشارکت‌کننده‌ای بیان می‌کرد:

«خیلی‌ها اوملند و دارن اینجا کار می‌کنند و میشه پلیس با یک شناسنامه‌ای گرفتن، مشخص کنه کی داره اینجا کار می‌کنه و یا به‌عنوان خیر کمک می‌کنه». (نیروی انتظامی. مرد)

و یا دیگری می‌گفت:

«خیلی از افرادی که تحت عنوان خیر اومده بودن خانم بودن، خب پلیس زن راحت‌تر می‌تونه بفهمه اهدافشون چیه و برای چی اوملند؟» (نیروی انتظامی. مرد)

در برخی مصادیق مجرمانه که در جامعه بحران زده رخ می‌دهد نقش جنسیت در آن بسیار بارز است. در تفتیش مظنونان زن و یا بازرسی چادر و کانکس‌ها و بازجویی از مجرمین زن، مردان نمی‌توانند کارایی مناسبی داشته باشند و ضرورت دارد پلیس زن متناسب با جنسیت در این صحنه‌ها حضور داشته باشد. به‌عنوان مثال و به ترتیب مشارکت‌کننده‌ای بیان می‌کرد:

«اینجا بخاطر بافت فرهنگی که داره، خیلی برای خانم‌ها احترام قائل هستند و خیلی شاید به یک خانم حساس نشن تا به یک مرد. اینجا است که ما حواسمون بیشتر جمع میشه که زن‌های مظنون را شناسایی و بازرسی کنیم. حتی ممکنه به زن مشکوک هم بشن اما نمی‌تونن کاری بکنن و اونو بگردن». (نیروی انتظامی. زن)

شرکت‌کننده‌ای دیگر بیان می‌کرد:

«یک خانمه با شوهرش هر دو اعتیاد داشتند! شیشه زده بودند و زنه توهم زده بود. یک آلاچیق درست کرده بودند و خانمه اونجا لخت شده بود و بدون لباس؛ کلانتری نمی‌تونست بره جلو مداخله کند. من فکر می‌کنم اونجا یک پلیس زن نیاز بود که همراه من پلیس مرد می‌بود و واقعاً ضرورت داشت». (نیروی انتظامی، مرد)

و یا دیگری می‌گفت:

«مثلاً برای بحث همین خانمه که معتاد بود و من کارهاشو انجام می‌دادم از همون دوران خماریش استفاده می‌کردم که اعتراف بکنه و بگه این مواد مال اون خانمه است من باهاش کار می‌کردم تا ساعتی سه و نیم؛ چهار ساعت طول کشید خارج از وقت اداری تا آخر ارزش اعتراف گرفتیم». (نیروی انتظامی، زن)

و گاهی با ترغیب و تشویق مجرمین زن به اعتراف برای پیشگیری از پیچیده‌تر شدن پرونده لازم بود زنان پلیس این نقش را برعهده بگیرند. مثلاً شرکت کنندهای می‌گفت:

«تشویقش می‌کردم که برو الان زندان درخواست بده که تجدیدنظر بشه. برای بچه‌ها اینجوری کن. برای خودت این کارو بکن. بگو اعتراف کردم به این دلیل و به اون دلیل». (نیروی انتظامی، زن)

نقش مقابله‌ای پلیس زن در بحران زلزله به صورت متوقف سازی الگوهای تکرار شونده مجرمانی بود که با یک شیوه به ارتکاب جرم می‌پرداختند و از این طریق به نفع خود بهره می‌بردند. به عنوان مثال مشارکت کنندهای بیان می‌کرد:

«یه خانمی بود می‌آمد با کلی ارباب و ایجاد ترس از این سازمان به اون سازمان می‌رفت و وقتی می‌فهمید یه مسئولی آمده می‌آمد جلوی اون مسئول و با مظلوم نمایی شروع می‌کرد گریه کردن که به من چیزی ندادند و وقتی می‌دید توجهی بهش نمی‌کنند شروع می‌کرد به آبروریزی و شلوغ بازی. این شیوه رو چندجا بعد از زلزله اجرا کرد تا اینکه همکارای خانم ما فهمیدند شیوه و الگوی این خانمه رو که تکدی گری می‌کنه و تونستند جلوش رو بگیرند». (پلیس، مرد)

و یا با ذکاوت و هوشیاری زنانه خود جلوی اقدامات سودجویانه این افراد را می‌گرفتند. مشارکت‌کننده‌ای بیان می‌کرد:

«گزارش دادند صد میلیون تومان کانال کولر را بردن، سریع رفتیم وقتی دیدیم ورق‌ها هر کدومشون اندازه اتاق من هست گفتم چه سارقی بوده که اینو برده؟ چند تاشو برده؟ ۸۵۰ تا ورق؟! این سارق خودتونید! و سرقت هم ثبتش نکردم و به‌عنوان خیانت‌درامانت ثبت کردم و می‌فهمیدم که همه از اینکه یه پلیس زن اینو فهمیده، متعجب شده بودند.» (نیروی انتظامی. زن)

گاهی مجرمین زن برای فرار از مجازات و یا کاهش آن تله‌هایی را طرح‌ریزی می‌کنند که حضور پلیس زن در صحنه مانع از آن خواهد شد. مثلاً مشارکت‌کننده‌ای بیان می‌کرد:

«وقتی طرف خلاف کرده، وقتی بینه ممکنه ۱۰ سال، ۱۵ سال بهش زندان بخوره اون لحظه ممکنه هر کاری ازش سر بزنه، خودزنی کنی، دیگه زنی کنه، تهمت بزنه، خودش رو در اختیار بگذاره. ممکنه هر چیزی که غیرقابل پیش‌بینی هست از این شخص سر بزنه. اگر یه پلیس خانم تو صحنه حضور داشته باشه دست و پای اون مجرم زن برای هر کاری بسته تره و نمی‌تونه هر راهبردی رو بکار ببنده.» (رئیس کلانتری. مرد)

گاهی مجرمین زن از نظر فیزیکی تنومند بوده و تنها پلیس زن می‌تواند مانع برخورد فیزیکی آن‌ها گردد و پلیس مرد هرچند از قدرت فیزیکی برابری برخوردار باشد نمی‌تواند مانع شود لذا حضور پلیس زن لازم و ضروری می‌گردد. به‌عنوان مثال مشارکت‌کننده‌ای بیان می‌کرد:

«خانمی که دچار مشکل اعصاب و روان هست با توجه به تنومند بودن ایشان، هیچ‌کس نمی‌تونست بهش نزدیک بشه و کنترلش کنی، خیلی از متکدی‌بان خانم هر چی می‌خواستند برمیداشتند چون زورشون می‌رسید.» (نیروی انتظامی. خانم)

و یا دیگری می گفت:

«جدا و سوا کردن این طور افراد هم خیلی سخته. اینجا به نظرم اگر بعضی وقت ها نیروی پلیس خانم باشه، براحتی می تونه کنترل اونها رو در دست بگیره و پلیس آقا اینجا واقعاً براش سخته ورود کردن». (نیروی انتظامی. مرد)

از دیگر نقش های پیشگیری انتظامی که پلیس زن می توانست نقش مؤثری در آن داشته باشد عملکرد نظارتی و کنترلی بود. نظارت بر تخلفات و جرائم در منطقه زلزله زده، اهرم کنترلی جهت بازداری بزهکاران در منطقه و ورود و خروج افراد مجرم و یا غیر مجرم محسوب می گردید. به عنوان مثال مشارکت کننده ای می گفت:

«وقتی پلیس زن باشه می تونه به عنوان پاس پیاده تو منطقه حضور داشته باشه. قطعاً اگر یه خانم با لباس نظامی حضور داشته باشه و بین چادرها پاس بده بخصوص تو روز که اکثر خانم ها و بچه هاشون تو چادرها تنها هستن خیلی می تونست جلوی سوء استفاده ها و دزدی ها رو بگیره». (نیروی انتظامی /مرد)

و یا دیگری بیان می کرد:

«سودجوها از زن و مرد گرفته، سر جاده ها می گرفتن که من فقیرم، گلام، ندارم. این ها با کمک پلیس زن می شه زود جمعشون کرد. بخصوص که زن و بچه بین اونها زیاد است (نیروی انتظامی/مرد).

مجرمین محاسبه گر نیاز به نظارت بر رفتارشان پس از دستگیری وجود دارد. اگر این مجرمین زن باشند حضور پلیس زن در این مرحله ضروری به نظر می رسد. مشارکت کننده ای بیان می کرد:

«دو تا خانم رو گرفتند و اونا توی بازجویی گفته بودن هیچ آشنایی با همدیگه ندارن. اینا رو عصر گرفتند، شب بازداشتگاه نیروی انتظامی بودند توی قرارگاه، شب من و یکی از خانم ها باید می رفتیم اداره و هر نیم ساعت یکبار باید بهشون سر می زدیم و می فهمیدیم آشنان یا غریبه ان. رصد کردیم و متوجه روابط اونا شدیم». (نیروی انتظامی. زن)

و یا دیگری می‌گفت:

«یه دفعه یه نفر رو بردیم دادگاه، دیدم آدمای زیادی دارن دور و برمون می‌پلکن. مثلاً به‌عنوان مردمی که توی دادگاه می‌رن و میان. بعد کم کم می‌نشستن کنار متهم‌ها تا جایی که جا بود و صندلی خالی اطراف بود می‌گفتیم برید روبرو بشینید و کنار متهم نباشید ولی وقتی جانبود خانم‌ها می‌اومدن و می‌نشستن. با تیزبینی و دقتی که در روابط فرد متهم نشون دادیم، تونستیم تعدادی دیگر از همدستان را که دادگاه اومده بودند، دستگیر کنیم». (نیروی انتظامی، زن)

وجود کالاهای غیرقانونی در سطح منطقه به‌خصوص در حوزه مربوط به بانوان و کودکان نیازمند کنترل و ضبط قانونی است. از آنجایی که گاهی حضور مردان جهت ضبط آن‌ها مستلزم ورود در اماکن مخصوص بانوان بود و حتی در صورت ورود، درگیری با این افراد را ایجاد می‌کرد لذا حضور پلیس زن در صحنه ضروری به نظر می‌رسید. به‌عنوان مثال مشارکت‌کننده‌ای می‌گفت:

«خانم اومده از این وضعیت نابسامان استفاده کرده و دستگاه غیراستاندارد تو آرایشگاه گذاشته و داره ارزش کلی هم پول درمیاره و یا کلی لوازم بهداشتی تاریخ‌مصرف گذشته رو به مردم قالب کرده که ما برای ضبط و کنترل این‌ها با مردم کلی درگیر شدیم که پلیس زن خیلی می‌تونست تو این زمینه به ما کمک کنه (نیروی انتظامی، مرد)

همچنین باید جهت پیشگیری از وقوع جرائم و سوءاستفاده از افراد، نظارت بر عملکرد کنشگران منطقه که جنسیت مشابه با پلیس زن داشتند و یا با بانوان و یا کودکان فعالیت می‌کردند صورت می‌گرفت. به‌عنوان مثال مشارکت‌کننده‌ای بیان می‌کرد:

«همون اوایل یه عده بودند که بچه‌ها رو جمع می‌کردند تو کانکس و چادر. باید یه نیروی پلیس خانم می‌بود که به کار این‌ها نظارت می‌کرد که دارن چی کار می‌کنند و وضعیت این بچه‌ها رو بررسی می‌کرد که سوءاستفاده‌ای رخ نده یا چیزی به خورد این بچه‌ها داده نشه و یا اصلاً این بچه‌ها دارن با چی سرگرم می‌شن؟» (نیروی انتظامی، مرد)

و یا دیگری می گفت:

«تو دو سه روز اول مردم دنبال این بودن که اموالشون چپاول نشه، مثلاً یک سازمان مردم نهادی می آمد مردم ما واقعاً داغدار بودن و برخی حتی خانواده از دست داده بودند و باید کسانی می آمدند که با مردم احساس همدردی می کردند اما میومدند و تئاتر اجرا می کردند و برنامه های شاد. نظارت بر عملکرد این سازمان ها نبود. مردم نیاز به شادی دارند اما نه در روزهای اولیه بحران که نیاز به همدرد داشتند! سازمان ها این رتبه بندی، این نیازسنجی ها رو انجام ندادند مثلاً شب سال تحویل در پارک شهر که مردم خودشون رو برای روزهای شاد آماده کرده بودند، یک برنامه مستند از روزهای اول زلزله و عزای مردم تو اون ساعات پخش کردند که باعث تهییج هیجانات مردم شد و برخی عصبانی شدند و با مجریان این برنامه گلاویز شدند». (نیروی انتظامی. مرد)

و مشارکت کننده ای دیگر بیان می کرد:

«من از ابتدا نگران این موضوع بودم و خدمت فرمانداری هم عرض کردم. این سازمان های مردم نهادی که در منطقه حضور پیدا می کنند باید نظارت و مدیریت می شد. این منطقه ترکیب قومیتی شیعه را داره، یکمی اون ورتر اهل حق رو داریم، سنی داریم و تو بعضی از روستاها وهابی داریم. ولی خیلی از سازمان ها مردم نهاد که خیلی هاشون هم نیروهای جهادی بودند حالا برای تبلیغ و کمک و ... آمده بودند به این موضوع توجهی نداشتند. حضور یه پلیس خانم برای مدیریت کردن فعالیت بانوان این شبکه ها و نظارت بر کار اونها ضرورت داشت. اگر مقام معظم رهبری تو روستای کوییک حضور پیدا نمی کردند که اکثریت آن ها سنی هستند معلوم نبود چه اتفاقی می افتاد». (رییس پلیس کرمانشاه/مرد)

پیشگیری اجتماعی ایجاد تغییرات و اصلاحات فردی و محیطی است که منجر به اصلاح جامعه و فرد و منجر به جلوگیری از جرم به صورت پایدار و همیشگی است (شایگان، اصغر زاده، ۱۳۹۴) محور اقدامات این پیشگیری فرد است و می خواهد از طریق آموزش، ترغیب و تربیت، معیار شناخت اعمال خوب و بد را به فرد القاء کند و قدرت

ارزیابی عملکرد خود را به فرد بدهد (بیات و همکاران، ۱۳۸۷) در این نوع پیشگیری مسئولیت پلیس که وظیفه حفظ امنیت و آرامش را بر عهده دارد پررنگ‌تر و جدی‌تر به نظر می‌رسد. طبق یافته‌های پژوهش این نوع پیشگیری را با توجه به نقش پلیس زن در بحران زلزله کرمانشاه می‌توان در سه مضمون فرعی آگاهی بخشی، پیشگیری از بحران‌های آتی و نقش حفاظتی تقسیم نمود. پلیس زن می‌تواند با آموزش به افراد در حوزه خود مراقبتی و دیگر مراقبتی ضمن حفظ امنیت، در زمینه مسائل مربوط به آشنفگی‌های اجتماعی بعد از وقوع زلزله، جرائم گوناگون و به‌ویژه جرائمی که زنان و کودکان را تهدید می‌کند و راه‌های پرهیز از خطر را آموزش دهد. به‌عنوان مثال مشارکت‌کننده‌ای بیان می‌کرد:

«پلیس زن می‌تونه اطلاعات خوبی به زن‌ها بده که بهتر از خودشان مراقبت کنند، بهتر از عفتشان، از اخلاقشون، از غیرتشون مراقبت کنن. گول هرکسی رو نخورن. از دست هرکسی چیزی نگیرن. به هرکسی ساده اعتماد نکنند. درددل با هرکسی نکنن. با هرکسی مصاحبه نکنن» (نیروی انتظامی. مرد)

و یا دیگری می‌گفت:

«بعد از زلزله مدرسه‌ها سه شیفت شده بود و یه هرج و مرجی موقع تعطیل شدن مدرسه‌ها جلوی اونجا راه می‌وفتاد. تردد خیلی بود دختر و پسر با هم قاطی می‌شدند و پسرها برای دخترها مزاحمت ایجاد می‌کردند. به نظرم یه نیروی پلیس خانم بهتر می‌تونه با دخترها ارتباط بگیره و اون دختر رو روشن کنه که چه خطراتی پیش روش هست و باید چه جور از خودش مراقبت کنه» (نیروی انتظامی/مرد)

بحران می‌تواند بستر آسیب‌پذیری بیشتری را برای افراد به‌خصوص زنان و کودکان فراهم سازد و ناآشنایی افراد با حقوق خود می‌تواند فرد را به سمت ترس و ناامیدی بیشتر سوق داده و زمینه سوءاستفاده از آنها را فراهم سازد. حضور پلیس زن جهت آگاهی

سازی از قوانین مربوط به رفتارهای پرخطر می‌تواند از بروز آسیب‌های بیشتر نسبت به زنان و کودکان جلوگیری کند. به‌عنوان مثال مشارکت‌کننده‌ای بیان می‌کرد:

«یه خانم پلیس اگر در سطح منطقه بود به آقایی که داره همسرش و میزنه و یا بچه‌اش رو می‌زنه یادآوری می‌کرد که درسته اعصابت از شرایط خورد شده ولی خشونت خانگی جرمه و اینکه نباید به دلیل اینکه حالا شرایط آشفته‌ای داری و اعصابت خورده بچه رو و یا همسرت رو بزنی و اگر این مورد گزارش بشه یک جرمه. فکر می‌کنم اگر جرم بودن این مسائل رو می‌فهمیدن خیلی تعارضات کمتر می‌شد.» (پلیس/خانم)

و یا دیگری می‌گفت:

«اگر کسی باشه مشاوره بهشان بده از عاقبت کار و نتیجه‌اش بهشان بگه. مثلاً اگر تهمتی باشه میگم نتیجه کار شما، آخر سری این قدر جریمه در حق دولت میشی! بعضی‌ها می‌گن آقا من ده بار پیام اینجا، ده بار برم دادگاه، وقتم هدر میره، تهشو بهش میگم که بدونه یا می‌بینی چاقوکشی کرده میگم ۶ ماه زندان داری یا می‌گه اگر من با چاقو بزنم چکار می‌کنی؟ قشنگ مطلعش می‌کنم از قانون که این کار رو نکنه. بعضی از آدم‌ها بودن، من شناختی بهش دادم خدا و کیلی الان شده مهندس کامپیوتر.» (نیروی انتظامی. زن).

گاهی افراد جامعه آسیب‌دیده نیازمند آسایش و امنیت متناسب با محیطی هستند که به‌واسطه‌ی بحران شکل جدیدی به خود گرفته است، در این میان پلیس زن می‌تواند برای حفظ و گسترش امنیت عمومی و حمایت از این افراد آموزش و هشدارهای امنیتی را جهت پیشگیری از وقوع جرم و یا ممانعت از سوءاستفاده‌گران در منطقه نقش بسزایی ایفا نماید. به‌عنوان مثال مشارکت‌کننده‌ای بیان می‌کرد:

«یه فردی از یه NGO با شهرداری ارتباط گرفته بود و گفته بود می‌خوام اینجا خیریه بزنم و زمین فلان جا رو بیا به اسم من بزن که ما هشدار و اطلاع‌رسانی به شهرداری کردیم که ممکنه زمین به اسم بزنه و دیگه خیریه‌ای اونجا نزنن و در خصوص شناسنامه و فعالیت‌های NGO شهرداری رو روشن‌سازی کردیم.» (نیروی انتظامی. مرد)

و یا دیگری بیان می‌کرد:

«با خانم‌ها تماس می‌گرفتند و می‌گفتند می‌خواهیم براتون کانکس بفرستیم. اینقدر باید به حساب ما واریز کنی برای هزینه حمل‌ونقل کانکس تا برات ارسال کنیم یا از فلان برنامه زلزله‌زده رادیو گفتن تماس بگیریم شما برنده شدید. خیلی از این کلاه‌برداری‌های این‌جوری را از طریق کانال‌های معتبر محلی آگاه‌سازی کردیم و توی مساجد برای خانم‌ها روشن‌سازی کردیم». (نیروی انتظامی، زن)

دیگری می‌گفت:

«باید به خانم پلیس متناسب با موقعیت منطقه و زمان به دوره آموزشی برای این دخترها و خانم‌ها می‌گذاشتند و بهشون توضیح می‌دادند که چه خطراتی می‌تونه تو این شرایط که بحران‌زده هستند تهدیدشون کنه. چون به نوجوان و یا جوان خیلی راحت می‌تونه تو این شرایط تحت تأثیر احساساتش قرار بگیره و گول بخوره. مامورد داشتیم بنا اومده تو منطقه که کار کنه و این دختر عاشقش شده و وقتی انزال بکارت اتفاق افتاده دختر رو ول کرده به حال خودش و رفته شهرش و دختر هم خودکشی کرده». (نیروی انتظامی / مرد)

مشارکت‌کننده‌ای دیگر بیان می‌کرد:

«تو این زلزله هر کی گفت من خیر هستم مردم سریع بهش اعتماد می‌کردند به کانکس بود که به جوانی خدمات دندانپزشکی می‌داد به دختر هفت‌ساله رو مادرش میبره پیشش. میگه بچه باید تنها بیاد تو کانکس و این مادر هم از روی نادانی و این که طرف خیره بچه رو تنها می‌فرسته داخل کانکس و اون مرد هم به بچه تجاوز میکنه. این اتفاق‌ها به خاطر آگاهی نداشتن مردم بود. کلمه خیر به بار مثبتی داره که باعث اعتماد این مادر شده. خوب باید به خانم پلیسی وجودداشت تو منطقه که این خطرات رو به خانواده‌ها تذکر می‌داد که هر کی گفت من خیر هستم سریع اعتماد نکنید و لزوماً اون آدم سالمی نیست و خیلی از اتفاقاً رو می‌شد جلوش رو گرفت». (نیروی انتظامی، مرد)

در شرایط بحرانی لازم است پلیس به سبب ارتقاء سطح امنیت عمومی و پیشگیری از جرائم به توانمندسازی افراد از طریق آموزش نحوه برخورد با مجرم پردازد. مشارکت‌کننده‌ای بیان می‌کرد:

«با یکی از همکاران آقا رفتیم اونجا، خانمه را گرفتیم. چقدر ادعای خانم با شخصیت بودن می‌کرد و می‌گفت شما چرا دارید به من تهمت می‌زنید که دزدم. من چه دزدیم؟! مغازه‌دار همان لحظه که دزدی کرده بود دیگه بهش نمی‌گه بده، چون می‌دونسته در می‌ره! زنگ می‌زنه نیروی انتظامی. خودش می‌گفت یکی از دوستاش تو نیروی انتظامی بهش یاد داده بود که هر وقت دزد خانمی اومد این کار رو بکنه». (نیروی انتظامی. مرد).

به دلیل فرهنگ حاکم بر منطقه، آنچه پیگیری مسائل مربوط به منافی عفت را دشوار و بررسی را با کندی مواجه می‌ساخت اطلاع‌رسانی به خانواده‌هایی بود که پذیرش این امر برایشان دشوار است و در این میان زنان، قربانی فرهنگ حاکم و در معرض سرزنش و اتهام بیشتری نسبت به مردان قرار داشتند لذا در صورت گزارش موارد تجاوز و جرائم منافی عفت، اطلاع‌رسانی به خانواده‌های قربانیان امری دشوار گزارش می‌شد که پلیس زن می‌توانست در تسهیل پذیرش خانواده‌ها و پیشگیری از آزار و اذیت فرد قربانی نقش مؤثری داشته باشد. به‌عنوان مثال مشارکت‌کننده‌ای بیان می‌کرد:

«خیلی وقت‌ها مشکل وقتی به خانواده‌ها می‌رسه خانم‌ها راحت‌تر می‌تونند با خانواده‌ها ارتباط بگیرند تا همکاران مرد ما. مثلاً در مسئله تجاوز پدر با یه خانم پلیس بهتر می‌تونه صحبت کنه و حرفش رو بپذیره و کمتر احساس شرم و خجالت می‌کنه. ولی در صحبت با یک مرد احساس می‌کنه غرورش خرد شده. ما خانم‌ها راحت‌تر می‌تونیم قانع‌شون کنیم و کمتر سعی می‌کنه من رو قانع کنه که دارم اشتباه می‌کنم ولی وقتی همکار مرد ما هست سعی می‌کنه بگه ما داریم اشتباه می‌کنیم و هیچ جوهره کنار نمیاد». (پلیس. زن)

شفاف‌سازی قوانین جهت احقاق حق از دیگر نقش‌های پلیس زنان بود که می‌توانست سبب پیشگیری از آسیب‌های بیشتر گردد. مشارکت‌کننده‌ای می‌گفت:

«خب این افرادی که باکرگی شون رو از دست داده بودند توی این منطقه
کردنشین و با این تعصباتی که وجود داره سعی می‌کنند سکوت کنند تا آبروشون
حفظ بشه؛ اما اگر به نفر بیاد و حق و حقوقشون رو برایشون بگه و بدونند که حق و
حقوقی دارند شرایطشون خیلی فرق می‌کنه و می‌تونه خیلی مؤثر باشه». (نیروی
انتظامی/مرد)

مخاطرات نوظهوری مانند حضور افراد سوءاستفاده گر در قالب خیر نیازمند آموزش
در نحوه برخورد با آن‌ها بود. در این میان به واسطه فشار ناشی از بحران، زنان در معرض
آسیب بیشتری قرار داشتند و لزوم حضور پلیس زن جهت آگاهی بخشی در این زمینه
به وضوح مشاهده می‌شد. به عنوان مثال مشارکت کننده‌ای بیان می‌کرد:

«بعد از زلزله کلی آدم خیر اومدند به عنوان خیر افراد رو فریب دادند و از
این شرایط بحرانی شون استفاده کردند و به صیغهی خودشون درآوردند و خیلی
از سوءاستفاده‌ها را کردند خب به نیروی پلیس خانم می‌تونست اونها رو از این
خطرهای آشنا کنه که گول نخورن و شماره تماس خودشون رو راحت در اختیار
خیرها قرار ندهند». (نیروی انتظامی/مرد)

آموزش مهارت‌های رفتاری در حوزه‌های مختلف روان‌شناختی و ایجاد این نگرش
که حوادث مختلف بخشی از ماهیت طبیعی زندگی است و برای گذر از آن باید تلاش
کرد در فعالیت زنان پلیس در قالب آموزش می‌توانست از کاهش ظرفیت توانایی افراد در
حل مشکلات جلوگیری کرده و مهارت‌های رویارویی را افزایش دهد. به عنوان مثال
مشارکت کننده‌ای بیان می‌کرد:

«خوب همه خونه هاشون شده بود به کانکس. اتاق خواب و هال و پذیرایی
و آشپزخانه همش به جا بود. تو این شرایط تعارضات زناشویی خیلی بالا می‌ره و
شرایط خیلی بدی خواهد بود ما تا جایی که می‌شد مهارت‌های زناشویی و مهارت
زندگی رو بهشون آموزش دادیم». (پلیس/خانم)

در مرحله تماس با ضربه که چند ثانیه پس از حادثه بروز می کند افراد دچار وحشت شدید می شوند و قدرت انجام هیچ کاری را ندارند و به قول معروف خشکشان می زند. لذا حضور پلیس زن جهت پیش بینی رفتار افراد پرخطر در شرایط بحرانی ضروری به نظر می رسد تا از وقوع حادثه های بعدی جلوگیری به عمل آید. به عنوان مثال مشارکت کننده ای می گفت:

«ما به چشم خودمان دیدیم مثلاً پدر و مادر حواسشان به بچه شان نبود تا کم کم به خودشان آمدن. تو بهت زدگی حرکت می کردند و نمی تونستند موقعیت خطرناک را بفهمند. به راحتی می تونستیم با پیگیری احوالات یک نفر، بفهمیم این فرد شوک زده، چه رفتارهای پرخطری می تونه داشته باشه و سعی می کردیم اونو از موقعیت های پرخطر قابل پیش بینی دور کنیم. لازم بود یه پلیس زن می بود که دست خانم ها را در بهت زدگی بگیرد و هدایتشان کند بخصوص که لباس نظامی هم اعتمادبخش بود و مسئله خاصی ایجاد نمی کرد و بخصوص اینکه آموزش دیده هم هست و می داند چطور تو این موقعیت رفتار کند.» (نیروی انتظامی. مرد)

زلزله علاوه بر ارکان فیزیکی می تواند ارکان اجتماعی جامعه را تحت تأثیر خود قرار دهد و گویی جامعه با دومینوی بحران در ابعاد گوناگون مواجه می شود گاهی افراد ناخواسته و تحت فشار روانی به بحرانی تر شدن اوضاع کمک می کنند. مشاوره و مشورت دهی زنان پلیس جهت پیشگیری از سرایت مسائل و مشکلات به خصوص در حوزه خانوادگی به مراحل قانونی می تواند از بحرانی تر شدن مسائل جلوگیری کند. مشارکت کننده ای بیان می کرد:

«اگر وقت اداری اینجا باشی، روزی ۲۰۰، ۲۵۰ نفر میان پیش من. یکی سرش شکسته، اون یکی معتاد آورده. هرکسی دردی داره یعنی باور کن اگر ۲ تا ۴ افراد مشاوره بیان بدن، خیلی هاشون رفع می شه. زن ها تو مشاوره خیلی بهتر عمل می کنند چون خیلی صبورترند.» (نیروی انتظامی. مرد)

و یا دیگری می گفت:

«همیشه توی جلسه قوه قضائیه می‌گفتند خیلی از پرونده‌ها رو حل کنید همه رو نفرستید دادگاه. خیلی‌ها باید توی همون کانال اولیه نیروی انتظامی به یک سرانجامی برسه». (نیروی انتظامی. مرد)

مشارکت‌کننده‌ای دیگر می‌گفت:

«خانمی بود که برایش خیلی سخت بود که با من به‌عنوان پلیس مرد حرف بزنه و یا درد دل کنه. شاید اگر مشککش رو می‌گفت، اصلاً دادگاه نمی‌رفت و خیلی مسائل و مشکلات دیگه باز نمی‌شد و چون روش نمی‌شد یکسری حرف‌ها رو بزنه، متأسفانه کار به جاهای باریک تر کشید». (نیروی انتظامی. مرد)

در بحث پیشگیری از آسیب‌های حاصل از جرائم و یا جرائم حاصل از آسیب‌ها، نقش مشاوره‌ای و مراقبتی پلیس زن در پیشگیری از بحرانی‌تر شدن اوضاع بسیار مؤثر و ضروری به نظر می‌رسید. به ترتیب و به‌عنوان مثال مشارکت‌کننده‌ای بیان می‌کرد:

«ما خانم‌هایی داشتیم که شوهرش معتاده، قتل کرده. وقتی میان و صحبت می‌کنند می‌بینی اختلافشون خیلی شدید و واقعاً به‌عنوان یه پلیس مشاور نمی‌تونی دیگه برای این زندگی کاری انجام بدی و خانم هم باید به خاطر بافت فرهنگی و بومی بمونه و نمی‌تونه طلاق بگیره. فقط تنها کاری که میتونم بکنم با کارهای روان‌شناسانه قبل از اینکه این زن دچار آسیب بشه و دست به خیانت و یا خودکشی بزنه کمکش کنم که با این شرایط کنار بیاد». (پلیس مشاور/ خانم)

و دیگری می‌گفت:

«زلزله بخاطر یک سری شرایط اسکانی که برای دختران فراری پیش آورد، تقریباً گرایش‌ها به سمت و سوی سرپل زیاد شد. هم بحث اینکه می‌رفتن چادر و کانکس می‌گرفتن، بعد از این ور هم آمدن دفترچه هلال احمر گرفتن یعنی تقریباً تأمین بودن. ما اونا رو پیدا می‌کردیم و برای نگهداری تحویل بهزیستی می‌دادیم تا خانواده‌هایشان را پیدا کنیم». (نیروی انتظامی. زن)

شرکت‌کننده‌ای دیگر گفت:

«ما می‌گیم یک معتاد مجرم نیست، قانون هم این رو تعریف کرده ولی من می‌گم اعتیاد بسترساز سایر جرائمه. یک فرد معتاد میاد سرقت انجام می‌ده، ۹۹ درصد افرادی که دستگیر شدن بخاطر سرقت قطعات خودرو، همه معتاد بودن خب مثلاً مسئولیت‌های اجتماعی ما بخاطر همینه. لازمه تو حوزه آسیب‌ها کار بشه که خانم‌های پلیس بخاطر ویژگیهای مراقبتی خود تو این حوزه خیلی بهتر عمل می‌کنند». (نیروی انتظامی. مرد)

و یا دیگری بیان می‌کرد:

«در آسیب اجتماعی مثلاً ما بحث طلاق رو داریم طرف طلاق بگیره، ما می‌گیم اصلاً ربطی به حوزه انتظامی نداره ولی سرریز طلاق میاد آخر کارش تو حوزه انتظامی. این طلاق بسترساز آسیب‌های دیگه است». (نیروی انتظامی. مرد)

نیروی انتظامی به‌عنوان ضابط عام نقش حفاظتی و امنیتی متمایز و برجسته‌ای در منطقه زلزله‌زده را بر عهده دارد. حفاظت از حریم شخصی افراد آسیب‌پذیر توسط پلیس زن می‌تواند از بروز آسیب‌های جدی در حوزه بانوان و کودکان پیشگیری کند. زلزله اصولاً تغییری در شرایط محیطی به وجود می‌آورد که سبب گسسته شدن روند طبیعی زندگی مردم می‌شود. ایجاد محیط‌های مخصوص بانوان و حفظ امنیت آن بر عهده نیروی انتظامی است. در شرایط بحران حضور پلیس زن برای حفظ امنیت در این مکان ضروری به نظر می‌آید.

به دلیل فرهنگ حاکم بر جامعه زلزله‌زده، در بسیاری از مواقع اگر مشکلی برای زنان پیش می‌آید و مجبور می‌شوند که به کلانتری‌ها بروند حاضر بودند که مشکل را بپذیرند، صدایشان درنیاید و از جرمی که علیه آن‌ها اتفاق افتاده چشم‌پوشی کنند ولی آن را به پلیس مرد نگویند. دقت نظر به این مسئله نیازمند حضور پلیس زن بود تا دغدغه مندی بانوان جهت محرمانه ماندن اطلاعات برطرف گردد. به‌عنوان مثال مشارکت‌کننده‌ای می‌گفت:

«خیلی از خانم‌ها وقتی می‌خواهند گزارش تجاوزی رو بدهند که برای خودشون و یا فرزندشون اتفاق افتاده از ترس اینکه این اطلاعات دست کسی نیوفته و یا اون کسی که داره ثبت می‌کنه یه آقاست، از خیرش می‌گذرنند. چون اینجا مسائل منافی عفت برای خانم‌ها خیلی تبعات داره و خانواده‌ها وقتی بفهمند کسی این مسئله رو فهمیده حاضرین اون طرفی که بهش تجاوز شده رو بکشند ولی این بی‌آبرویی رو تحمل نکنند. به نظرم برای این‌که خیال این افراد راحت باشه باید یه خانم این اطلاعات رو ثبت کنه چون خودش زنه و دغدغه این خانم رو بهتر درک می‌کند و تو حفظ این اطلاعات دقیق تره. این طوری امنیت روانی برای گزارش این جرم‌ها توسط خانم‌ها بالاتر می‌ره و کمتر خانم‌ها تو این قضیه محافظه‌کاری می‌کنند.» (پلیس، مرد)

شرایط آشفته بعد از بحران زمینه اتهام زنی به دیگران خصوصاً مجرمینی که قصد فرار و یا تخفیف جرم خود را دارند، فراهم می‌آورد. نقش مراقبت از این مواضع در صحنه جرم علی‌الخصوص زمانی که مجرم زن باشد توسط پلیس زن بسیار پررنگ‌تر می‌گردد. مثلاً مشارکت‌کننده‌ای می‌گفت:

«بعضی وقت‌ها همکارهای مرد به خاطر اینکه در موضع تهمت قرار نگیره جرأت نمی‌کنه تا جلو بره. خانمی که داره توی اون خونه با همسرش و یا هر کس دیگری زندگی میکنه و مواد فروشی می‌کنه دیگه براش خیلی چیزها مهم نیست و اگر همکار خانم همراهشون نباشه راحت به مردها تهمت می‌زنند. این خانم‌ها مخصوصاً اگر مواد زیادی همراهشون باشه سعی می‌کنند اون لحظه همکارای مارو تحت فشار قرار بدهند. کمترین چیز آینه که بگویند من لباس تنم نبوده و این آقا همین طوری اومده تو.» (پلیس/زن)

همچنین در آشفتگی‌های ناشی از بحران که می‌تواند احتمال خطر بیشتری حتی برای نیروهای نظامی در منطقه وجود داشته باشد حفاظت از اعتبار و حیثیت خانوادگی پلیس می‌تواند از دیگر نقش‌های پلیس زن باشد. به‌عنوان مثال شرکت‌کننده‌ای می‌گفت:

«زن پلیس باید حواسش باشه که جاهایی که می‌تونه خطرناک باشه و در توانش نیست تنهایی اصلاً ورود پیدا نکند آخه تبعات داره و می‌تونه برای خانواده پلیس بازتاب داشته باشه. مثلاً مواقعی که بازتاب قضایی برای زن پلیس پیش میاد، تو سیستم سعی می‌کنند این بازتاب قضایی متوجه مرد بشه که اونجا هست نه پلیس خانم». (نیروی انتظامی، مرد)

پلیس به‌عنوان متولی تأمین نظم و امنیت در جامعه و با توجه به اینکه در برخورد با جرائم، خواهان برقراری نظم و انضباط و اجرای قانون است، به همین علت نگاه مردم یک جامعه به پلیس متفاوت تراز بقیه بوده و ایشان را مظهر انضباط می‌دانند. انضباط روح و پایه و اساس فرمان‌برداری، کار بهینه و توانایی رفتار است. ایجاد نظم و انضباط در نیروهای مسلح به دلیل مأموریت‌های حساس بیشتر مورد توجه بوده و از آنجایی که برنامه‌ها و عملیات آن‌ها در معرض دید مردم است، وجود انضباط را محسوس تر می‌نماید. ظهور آن از شکل ظاهری شروع و به رفتار، گفتار، اقدامات و غیره در افراد منتهی می‌شود. انضباط عملکردی انعکاسی از دانش، مهارت و ارزش‌های افراد پلیس است که برای اتخاذ حساس‌ترین تصمیمات فراخوانده می‌شوند و در خطرناک‌ترین موقعیت‌ها قرار می‌گیرند و سرنوشت بسیاری از مردم بی‌گناهی که در معرض جرم و جنایت قرار گرفته‌اند در لحظات اولیه وقوع جرم در دست این افراد است (خیرخواه، ۱۳۹۶).

در شرایط بحرانی تأکید اساسی بر مشارکت میان پلیس و شهروندان در جلوگیری از بی‌نظمی، نهادینه کردن و درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی و تشویق و ترغیب به رعایت آن‌ها و استفاده از روش‌های جایگزین به‌جای سرکوبی است. طبق یافته‌های پژوهش نقش انضباط عملکردی پلیس زن در شرایط بحرانی پس از زلزله در سه مضمون فرعی هدفمندسازی اقدامات، امنیت بخشی مقتدرانه و اصلاح سیاستمداران رفتار قرار گرفت.

زنان پلیس می‌توانند با استقرا در موقعیت‌های اضطراری و مداخلات انتظامی متناسب با بافت بومی منطقه، شخص و منطق موقعیت، با متمرکز کردن اقدامات خود مداخله‌ای

مبتنی بر انضباط و ایجاد نظم بر مکان‌های پرآسیب و اشخاص آسیب‌زنده داشته باشند. به ترتیب و به‌عنوان مثال مشارکت‌کننده‌ای بیان می‌کرد:

«ما حتماً باید توی محلات و بین خانواده‌ها و چادرها به جایی برای استقرار دائمون در نظر گرفته می‌شد که حضور مداومی داشتیم. تا این اعتماد بین ما و مردم شکل بگیره و بیان حرفاشون رو به ما بزنند. من تا داخل چادرها نمی‌رفتم و کلی باهاشون حرف نمی‌زدم و سؤال نمی‌کردم که مشکل داری یا نه؟ بهم اعتماد نمی‌کردند. مسائلی مثل تجاوز و مسائل منافی عفت رو مردم به این راحتی به پلیس هم نمی‌گن. مثلاً یکی از دخترای همونجا بعد از چند بار رفت و آمد من بهم گفت که آقای همسایه‌شان تهدیدش میکنه که یا باید بزاری بیام داخل چادرت یا آبروت رو می‌برم». (پلیس مشاور/خانم)

مشارکت‌کننده‌ای دیگر می‌گفت:

«توی شهر بزرگ، رفت و آمد ما به‌عنوان پلیس زن در شب موردی نداشت اما تو شهر کوچک‌تر با عرف و رسم خودشون یک زن در شب نمی‌ره گشت». (نیروی انتظامی. زن)

شرکت‌کننده‌ای دیگر بیان کرد:

«بعد همین جور به حرف می‌گرفتم تا سر ظهر شد. گرسنگی روش اثر گذاشت. گفت می‌یای بریم برام یک چیز بخوری؟ ساندویچی نزدیکمان بود. گفتم باشه. تو لباساتو بپوش بریم بیرون. خب زشته! الان دختر خواهرت می‌بینه. کرد غیرت داره. همینجور او را (بیمار روانی و متهم)

به زبان گرفتم. دستش رو داد به من و منم سریع خوابوندمش کنار. آمبولانس اومد و سریع تزریق آرام بخش کردن و بعد دستبند زدیم». (نیروی انتظامی. زن)

و یا دیگری بیان می‌کرد:

«پلیس خانم مخصوصاً در مواقع بحرانی باید هم تجربه کافی داشته باشه و هم علم کافی. تا خودش بدونه که جاباید پلیس باشه، کجا باید دوست باشه و کجا باید کار مشاوره انجام بده. بعضی جاها اقتدار پلیس معنی نداره و باید عطف و همدلی و مهربانی اولویت داشته باشه. به چیزی که طرف بفهمه درک شده و همین که بفهمه درک شده کلی از خشم و عصبانیتش کم میشه. ما تو این بحران از این موقعیت‌ها کم نداشتیم». (نیروی انتظامی. مرد).

آنچه لزوم حضور پلیس زن را بعد از بحران زلزله در منطقه ضروری می‌کرد، همدلی و فهم دقیق‌تر از ماجراهای اطراف و دقت نظر در پیگیری مسائل بود. مثلاً مشارکت‌کننده‌ای بیان می‌کرد:

«نیروهای پلیس کار زیاد انجام دادند ولی اگر مثل نیروهای دیگه مثل پزشک و پرستار و... تو صف می‌ایستادند، ده روز حمام نمی‌رفتند اون همدلی بهتر اتفاق می‌افتاد ولی وقتی ما با لباس‌های تمیز می‌رفتیم تو چادرها به ما می‌فهمانند که شما در موضع قدرت هستید و ما در موضع ضعف پس نمی‌تونید ما رو بفهمید. به خانمی داشت کردی به خواهرش می‌گفت این‌که الان میره تو خونه‌اش و آب و غذای گرم و.. داره این چه می‌فهمه ما چی می‌گیم، فکر می‌کرد ما کردی متوجه نمی‌شیم. به نظرتون چرا ارتش اینقدر محبوب شد چون اونا خاکی شدند، زخمی شدند و با همون لباس فرم بین مردم خوابشون می‌برد. وقتی داشتند می‌رفتند مردم داشتند گریه می‌کردند». (پلیس/خانم)

و یا دیگری می‌گفت:

«گزارشی که به دست من رسیده بود دومین بار و یا سومین باری بود که به من می‌رسید. متأسفانه دیگر همکارا شنیده بودند و از کنارش گذشته بودند و فکر کرده بودند این خانم دروغ می‌گه. ولی من با خودم گفتم این زن با حجب و حیای عشایری که داره اگر هم دروغ بگه باید خیلی تحت فشار باشه و مسئله‌اش خیلی حاد باشه که داره این دروغ می‌گه. چون می‌گفت پسرش معتاده و

می‌خواست بهش تجاوز کنه؛ و دقت من روی این مسئله باعث پیگیری پرونده‌ی این خانم شد و مسئله اش حل شد». (پلیس/خانم)

آنچه از اهمیت ویژه‌ای در برخورد با مخاطب خاص برخوردار است به‌ویژه که این مخاطبین، افراد زلزله‌زده‌ای باشند که فشار روانی زیادی به‌واسطه حادثه بر آنان فشار می‌آورد لازم است بر اساس نیاز آن‌ها آگاهی بخشی صورت گیرد زیرا آگاهی بیش‌ازاندازه می‌تواند استرس ناشی از شرایط بحرانی را افزایش دهد. به‌عنوان مثال مشارکت‌کننده‌ای بیان می‌کرد:

«اونی که به‌عنوان مطلع میاد مشاوره انتظامی بده، به انواع و اقسام چیزها توجه داره و یک چیزهایی رو ذکر نمی‌کنه. ذهن اشخاص را در خصوص زوایای مختلف جرم باز نمی‌کنه و متناسب با نیاز افراد به اونها شناخت میده. این ریزبینی‌ها رو خانم‌ها بیشتر بهش توجه دارند». (نیروی انتظامی. مرد)

سوءاستفاده از شرایط نابسامان بعد از زلزله افراد سوذجو را به انجام اقدامات سوذجویانه تحریک می‌کند. پلیس زن می‌توانست با مستندسازی از این اقدامات به‌ویژه اگر این سوذجویان زنان باشند نظم را به جامعه برگرداند. هوشیاری پلیس زن نسبت به عملکرد مجرمین و صبوری بر رفتارهای هنجارشکنانه در برخورد با آن‌ها، سبب خنثی شدن تله‌های مجرمینی می‌گردد که می‌خواهند با استفاده از موقعیت نابسامان بعد از زلزله و ایجاد فشار روانی مضاعف بر نیروهای پلیس و ایجاد بی‌نظمی، حداکثر استفاده را ببرند. شرکت‌کننده‌ای بیان می‌کرد:

«تو شرایط بحرانی که فشار خیلی زیاده گاهی وقت‌ها متهم می‌خواد از این موقعیت به نفع خودش استفاده کنه و یا به کاری کنه اوضاع بهم ریخته بشه و یا رفع اتهام بشه و یا به کاری کنه که پلیس دست روش بلند کنه. شاید خیلی وقت‌ها من خودم توی مأموریت‌ها فحش شنیدم ولی به روی خودم نیاوردم و با صبوری که کردم تیر مجرم به سنگ خورده که من و عصبانی کنه. به نظرم صبر خانم‌ها تو این زمینه بیشتره و خیلی کمک می‌کنه که طرف به هدفش نرسه (پلیس. زن)

زنان پلیس با استفاده از مهارت‌های گفتاری و برخورداری از قدرت تحلیل بالا می‌توانست عملیات‌های روانی را جهت کاهش آشفتگی در منطقه سازمان‌دهی کند. به‌عنوان مثال شرکت‌کننده‌ای می‌گفت:

«تو اوج آشفتگی و بحران روزهای اول، پلیس برای کاهش ترس و تنش مردم، استراتژی به کار برد که هرازگاهی نیروهایش را به‌صورت گروهی تو مناطق می‌فرستاد و این صرفاً حضور تو صحنه هم می‌تونست باعث دلگرمی مردم بشه و تا مدتی حجم زیادی از سرقت‌ها کاهش پیدا می‌کرد بخصوص که یه سری شایعات هم بود که علیه پلیس درست کرده بودند و تفرقه بین مردم و مسئولان را تشدید می‌کرد. پلیس زن با مهارت زبان گفتاری و قدرت تحلیل خود می‌تونه کمک خوبی برای طراحی عملیات روانی ناجا برای مثال در فضای مجازی باشه.»
(نیروی انتظامی. مرد)

وجود لطافت زنانه در کنار اقتدار موردنیاز در زنان پلیس، قدرتی امنیت بخش را برای زلزله‌زدگان به همراه دارد. شرکت‌کننده‌ای بیان می‌کرد:

«وقتی بچه‌ایم از دکتر به خاطر آمپول زدن و دردش می‌ترسیم. درسته؟ ولی وقتی همان دکتر یک شکلات به بچه بده، بعد از اینکه شیرینی شکلات توی دهنش مزه کرد، آمپول رو بزنه، شاید خیلی ترس و درد آمپول از اون دکتر توی دهنش نمانه، شیرینی شکلات هم بمونه، درسته؟ پلیس هم همینجور. هرچند بحث امنیت برای بچه قابل فهم نیست یا شاید قابل درک نباشه ولی برای خانواده‌ها امنیت شیرینی‌ترین، شیرینی‌هاست که می‌تونه باشه.» (نیروی انتظامی. زن)

و یا دیگری بیان می‌کرد:

«ما یه اعزامی داشتیم که کسی همراهش نبود و خانواده‌ای نداشت و اصلاً حاضر به همکاری با پلیس نبود که اعزام بشه. اگر یه خانم پلیس کنار من بود می‌تونست باهاش صحبت کنه و قانعش کنه و تفهیم اتهامش کنه. ما اقایون تو صحبت کردن وقانع کردن خانم‌ها خیلی راحت نیستیم باید تو این حوزه‌ها یه

خانم باشه که از اقتدارش استفاده کنه و درعین‌حال با محبت راضی‌اش کنه».
(پلیس/مرد)

استمرار در حضور مقتدرانه‌ی پلیس زن در شرایط بحرانی که گهگاه مسبب اصلی آن زنان هستند می‌تواند سبب کاهش بی‌انضباطی‌ها و تنش‌ها گردد. مشارکت‌کننده‌ای بیان می‌کرد:

«اونجا همین‌که مثلاً یک نفر فکر اشتباهی داره تو ذهنش همین‌که احساس کنه گشت پلیس همیشه هست، می‌تونه براش بازدارنده باشه». (نیروی انتظامی، مرد) و یا دیگری می‌گفت:

«روزهای اول چون شرایط بحرانی بود، همه جا آشفته‌گی وجود داشت و لازم بود یه جا کیوسک ثابت در دسترس باشه و افراد بتونند به محض احساس مشکل به اونها مراجعه کنند». (نیروی انتظامی، مرد).

با توجه به فرهنگ و شرعیات حاکم بر جامعه که نوع خاصی از تعاملات را میان زنان و مردان شکل می‌دهد، برای تعامل با مجرمین زن که بعضاً پرخاشگر بوده و نوعی جسارت آموخته‌شده جهت رسیدن به مقاصد خود دارند، پلیس مرد از کارایی لازم برخوردار نیست و زنان پلیس بهتر و سریع‌تر می‌توانند با این مجرمین و همچنین کسانی که ضوابط عمومی را نقض می‌کنند برخورد قاطعانه داشته باشد و نظم را به جامعه بحران‌زده بازگرداند. به‌عنوان مثال مشارکت‌کننده‌ای بیان می‌کرد:

«نیروی انتظامی آدم پررو می‌خواد، آدمی می‌خواد که بتونه اقتدار ناچا را حفظ کنه و جسور باشه. لازمه پلیس زن تو روابطش با مجرمین خیلی حواسش به این مورد باشه». (فرمانده پلیس، مرد)

و یا دیگری می‌گفت:

«ما الان خانم‌هایی رو داریم تو منطقه که راه رسیدن به خواسته هاشون رو یاد گرفتن و از کمبود نیروهای پلیس خانم ما سوءاستفاده می‌کنند و میان تو سازمان شلوغ‌بازی راه می‌اندازند و اقلام می‌خوان. اگر هم توجه نکنی شروع

می‌کنند به عریان شدن و رفتارهای زشت و فحاشی کردن. اینجا پلیس مرد کاری نمی‌تونه بکنه و باید حتماً پلیس خانم باشه که از حضور پلیسی‌اش استفاده کنه و جلوی اون خانم رو بگیره. چون جرمش معلومه». (پلیس. مرد)

گاهی افراد نیازمند و بعضاً سوءاستفاده‌گر از هم‌جنس بودن پلیس به‌عنوان ابزاری جهت رسیدن به خواسته‌های غیرقانونی استفاده می‌کنند که در اینجا زنان پلیس با مرزگذاری روشن و شفاف در تعاملات خود جلوی زیاده‌خواهی‌ها و یا تقاضاهای غیرقانونی را می‌گیرند. مشارکت‌کننده‌ای بیان می‌کرد:

«وقتی طرفت به خانم هست و شرایط این‌طور بحرانیه از ما به‌عنوان پلیس خانم ممکنه درخواست‌هایی داشته باشند که قانونی نباشه ولی ما باید حواسمون باشه تحت نظارت قانون کار کنیم و برای اون فرد بگیریم که از عهده ما برنماید و فقط می‌تونیم تو چارچوب قانون بهش کمک کنیم». (پلیس / خانم)

گاهی افزایش نرخ جرم و جنایت و ناامنی و یا آسیب اجتماعی نسبت به زنان و کودکان در جامعه بحران‌زده نیازمند سرعت عمل نیروی پلیس است. آمادگی واکنش سریع و به موقع از جمله نقش‌هایی است یک پلیس زن می‌تواند به هنگام بروز این مشکلات ایفا نماید. به‌عنوان مثال مشارکت‌کننده‌ای می‌گفت:

«ما باید بتونیم مداخلات به‌موقع در مسائل یا موضوعات اجتماعی که پیش میاد داشته باشیم اینکه اگر مثلاً خودکشی یا کودک‌آزاری یا همسرآزاری یا سالمندآزاری یا موردهای متعددی مثل معلول‌آزاری یا افراد متکدی که در سطح شهر هستند، سریع عمل کنیم». (نیروی انتظامی، زن)

نظم‌بخشی در عین نظم‌مداری از دیگر نقش‌هایی است که زنان پلیس برای تأثیرگذاری بیشتر بر جامعه خصوصاً جامعه‌ای که پایه انضباط در آن در تمام سطوح و در میان همه افراد دچار تزلزل شده است ضروری به نظر می‌رسد و این امر ابتدا با تأثیربخشی بر روی خانواده‌ها خصوصاً زنان سرعت بیشتری خواهد گرفت که به نظر می‌رسد نظم

پلیس زن می‌تواند در این زمینه اثربخش‌تر عمل کند. به‌عنوان مثال مشارکت‌کننده‌ای بیان می‌کرد:

«یه پلیس زمانی می‌تونه وضعیت بهم ریخته رو سامان بده که اول خودش نظم داشته باشه. تا زمانی که نتونه خودش رو مدیریت کنه نمی‌تونه برای دیگران هم الگو باشه. حتی اگر جایی هم می‌دونه که قابل اغماضه ولی جلوی چشم دیگران نباید اون کار رو انجام بده». (نیروی انتظامی / خانم).

گاهی رفتارهای مخرب تنها با برخورد قانونی و اعمال قانون تصحیح نمی‌شود و نیازمند آن است تا باسیاست‌های خاص به اصلاح رفتاری که تحت فشار روانی ناشی از بحران است پردازیم. یکی از راه‌های اصلاح رفتار تغافل و نادیده انگاشتن جرم‌های خردی است که چشم‌پوشی از آن سبب اصلاح رفتار مجرم شده است و فرد را بر تصمیم به جبران عملکرد خود وامی‌دارد. به‌عنوان مثال مشارکت‌کننده‌ای بیان می‌کرد:

«یک معتاد با بچه‌اش آوردند اینجا، چیزی هم ازش نگرفتن فقط آوردنش اینجا. شوهرش فوت کرده بود. باهاش صحبت کردم. من اگر می‌دادمش دادگاه، یک جریمه‌ای الکی فقط ازش می‌گرفتن در حین استعمال بوده اینقدر کم بوده که اصلاً همیشه بکشیش. آدم آبروداری بود. همین گذشتی که من ازش کردم بخدا قسم الان نون دو تا خانواده رو می‌ده. هم پدر و مادر خودش و هم خودش و بچه‌اش. البته ناگفته نماند دورادور کاملاً حواسم بهش بود که دست از پا خطا نکنه. اینجا شهرستان کوچکیه و زود هر چیزی صدایش درمیاد». (نیروی انتظامی. زن)

گاهی مهارت گفتاری هدفمند زنان پلیس در جهت تنظیم هیجان‌ات افراد مجرم و بزه دیده مؤثرتر از نیروی فیزیکی برای رسیدن به اهداف پلیس است و یا می‌تواند به مجرمین زن در تصمیم‌گیری برای موقعیت‌هایی که آن‌ها را مستأصل گردانیده است یاری رساند. به ترتیب و به‌عنوان مثال مشارکت‌کننده‌ای بیان می‌کرد:

«یه خانم بود که موقع دستگیری هیچ‌کس جرات نزدیک شدن بهش نداشت. انرژی قوی بود و نیروی جسمانی فوق‌العاده‌ای داشت. اونا رو فقط میشه

یه زن با مهارت زبانی که داره جمعشون کنه. با اون زن حدود ۲ ساعت حرف زدم تا تونستم جلوی زدو خوردش رو بگیرم و از معرکه گیری تو خیابون جمعش کنم». (نیروی انتظامی. زن)

و یا دیگری می گفت:

«قاضی که اونجا نمی دونست که طلا داره یا نداره. ما رفتیم اونجا خانم رو دیدیم که طلا دستش هست و راضی اش کردیم که با فروش طلاهاش، قرض هاشو بده. بهش گفتیم بیا این طلاها رو بفروش بهتر از اینکه آبروت بریزه و بری زندان. دست آخر هم باید پول رو بدی چون تو نمی تونی پول این آقا رو بخوری بگی جهنم. دو سه ماه میری زندان و شاید بیشتر. ولی بالاخره پولش رو باید بدی». (نیروی انتظامی. زن)

نیروی پلیس برای آنکه در برخورد با مجرمین بهترین عملکرد را داشته باشند باید همانند آنان فکر کند تا بتواند یک قدم از آنها جلوتر بوده و رفتار آنها را پیش بینی نماید. این امر نگاه به بعد سالم شخصیت مجرم را کمی با سختی روبرو می سازد که البته برای اصلاح سیاستمداران رفتار امری ضروری به نظر می رسد. به عنوان مثال مشارکت کننده ای بیان می کرد:

«ما به عنوان پلیس با یکسری رفتارهای ناکارآمد سروکار داریم و این قدر این ناکارآمدی ها رو می بینیم که دیگه بعضی وقت ها رفتار کارآمد رو یادمون میره. خیلی خوبه که وقتی من می خوام با یه آدم مجرم کار کنم پیام تو دل زندگیش و رفتارهای مناسب و نامناسبش رو با هم ببینم و اون رفتارهای خویش رو هم بهش بازخورد بدیم. یه پسر بچه ای بود بعد زلزله تو منطقه همه می گفتند خانواده اش و خودش دزد هستند ولی این بچه خیلی تو امدادسانی ها کمک می کرد. با مشورت همکارا کردیمش همیار پلیس تو همون منطقه. این کار باعث شد هم اون بچه رفتارش عوض بشه و هم مردم نگاهشون نسبت به اون تغییر کنه». (پلیس/مرد)

و یا دیگری می گفت:

«من به‌عنوان پلیس باید مجرم را به‌عنوان فرد آسیب‌دیده هم ببینم نه اینکه بگم اینا میکروبین و انگل جامعه. ما اونقدر با بعد بد افراد سروکار داریم کم‌کم نمی‌تونیم به بعد خوب مجرم هم توجه کنیم ولی اگر توجه کنیم می‌تونیم باهاشون ارتباط بگیریم و روی اونها مؤثر باشیم». (پلیس/خانم)

بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش، در سه مضمون اصلی نقش بازدارندگی، نقش مراقبت‌های پیشگیرانه و عملکرد انضباطی نشان داد که نقش بازدارندگی پلیس زن در قالب پیشگیری انتظامی و نقش مراقبت پیشگیرانه در قالب پیشگیری اجتماعی و همچنین انضباط عملکردی زنان پلیس می‌تواند در افزایش احساس امنیت اجتماعی در شرایط بحران مؤثر واقع شود. یافته‌های سلطانی بهرام، دانش و علی نژاد (۱۳۹۵) نشان داد که بین پیشگیری انتظامی از جرم و احساس امنیت شهروندان ارتباط معنی‌داری وجود داشته و بیشترین تأثیر را بر احساس امنیت دارد به این معنی که با افزایش پیشگیری انتظامی، شهروندان احساس امنیت بیشتری می‌کنند. این مطالعه نشان داده است برای سنجش پیشگیری از جرم از شاخص‌های مهار، شیوه‌های کنترل جرم و مجرمین، گشت‌های خودرویی، اقدامات پیشگیرانه، دسترسی به نیروی پلیس و حضور در صحنه‌های جرم استفاده شده است. پژوهش حسنی، رفعتی اصل، عبادی نژاد و پسندیده (۱۳۸۸) به وجود رابطه معنادار بین حضور پلیس زن و وجود احساس امنیت اجتماعی، روانی و جانی افراد اشاره داشته‌اند.

یافته‌های غضنفری و قاسمی کیا (۱۳۹۴) نیز نشان می‌دهد اجرای برنامه‌های پیشگیری غیر کیفری (اجتماعی) از جرم از طریق شناسایی و از بین بردن عوامل ریشه‌ای جرم در سالم‌سازی محیط اجتماعی و بالا رفتن میزان احساس امنیت شهروندان نقش بسزایی دارد. طبق یافته‌های پژوهش پلیس زن با مداخلات انتظامی متناسب با شخص، بافت بومی منطقه و با توجه به منطق حاکم بر موقعیت از نقش پیشگیرانه خود جهت ایجاد احساس امنیت استفاده کرده و با استقرار در موقعیت‌های حساس و دقت نظر در پیگیری مسائل احساس ناامنی را از چهره جامعه بحران‌زده می‌زداید؛ که این مسئله با پژوهش محمد نسل

(۱۳۸۶) همسوست که رویکرد پلیسی پیشگیری از جرم را زمانی مؤثر می‌داند که به مؤلفه‌های مهمی از جمله تناسب با فرهنگ جامعه، نحوه بومی‌سازی راهکارها و غیره توجه شود.

بازجویی و بازرسی بدنی از مظنونان زن و بازرسی از چادرها به‌عنوان بخشی از نقش‌های بازجویی زنان پلیس با یافته‌های حسینی و نوبهار (۱۳۹۷) همسوست که ورود زنان پلیس را به عرصه حمل، قاچاق و توزیع مواد مخدر جهت بازرسی بدنی و دستگیری زنانی که به شیوه‌های متنوع اقدام به جرم می‌کند لازم و ضروری می‌داند با توجه به آنکه مخاطب خاص زنان پلیس را، زنان و کودکان تشکیل می‌دهند و از طرفی درک و فهم مسائل مربوط به بانوان نیازمند ادراک و حضور زنانه است حضور پلیس زن به همراه مردان در صحنه جرم از اقدامات سودجویانه آن‌ها و تله‌هایی که بعضاً برای فرار از صحنه جرم بکار می‌گیرند و شناسایی و ممانعت از الگوهای تکراری آن‌ها برای اقدامات سودجویانه و برخوردهای فیزیکی آن‌ها برای برهم زدن امنیت جامعه نقش مؤثری ایفا می‌کند و که افزودن این ویژگی به توانمندی مردان پلیس می‌تواند بسیار مؤثر و کارآمد بوده و سبب افزایش احساس امنیت اجتماعی گردد. یافته‌های این بخش با پژوهش زاهدی (۱۳۸۸) همسوست که پلیس زن را عامل ایجاد آرامش، اطمینان، اعتماد و نظم و بالاخره امنیت همه‌جانبه در جامعه بانوان به‌ویژه خانواده‌ها می‌داند.

نیلند^۱ (۱۹۶۶) معتقد است زنان ویژگی‌هایی چون نظم، بهتر اندیشیدن و مسئولیت‌پذیری بیشتری دارند و می‌توانند موقعیت‌های خشونت‌بار را خنثی کنند. لذا یافته‌های پژوهش نیز نشان داد که در شرایط بحرانی زنان پلیس در نقش نظارتی و کنترلی خود می‌توانند در کنترل و ضبط کالاهای غیرقانونی مربوط به بانوان، کنترل بزهکاران و سوءاستفاده‌گران در منطقه نقش مؤثرتری برای ایجاد امنیت ایفا نمایند.

گاهی نقش پیشگیری پلیس زن از طریق اعمال مدیریت مناسب نسبت به عوامل محیطی، فیزیکی و محیط اجتماعی به‌خصوص در محیط آشفته بعد از بحران زلزله که

می‌توانند موقعیت‌های مناسبی را برای ارتکاب جرم ایجاد کنند فراهم می‌گردد. کووین^۱، (۲۰۰۹) بیان می‌کند پلیس لندن با سپردن فرماندهی مدیریت اغتشاشات خود به زنان توانست بدون ضرب و شتم که توسط مردان پلیس اتفاق می‌افتاد، از توانایی گوش دادن زنان در آرام‌سازی اغتشاشات استفاده کامل را ببرد و این به این خاطر است که پلیس زن فعالیت خود را بیشتر خدمت اجتماعی تلقی می‌کند اما پلیس مرد با نگاه کنترل‌گری و از طریق حفظ نگاه حاکمیت خود به موضوع نگاه می‌کند.

یافته‌های اشتری فرد و فقیه (۱۳۹۴) نشان می‌دهد حضور محسوس پلیس تأثیر منفی و معنی‌داری بر نگرانی از وقوع جرم دارد. به این معنی که با افزایش حضور پلیس در انتظار عمومی انتظار می‌رود نگرانی از وقوع جرم کاهش یابد.

با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان نتیجه گرفت شناسایی و کنترل عواملی که باعث بروز جرم و ناامنی می‌شود و آگاهی بخشی و هدفمندسازی اقدامات و اصلاح سیاست‌مدارانه رفتار در جامعه بحرانی و همچنین استفاده از راهکارهای حمایتی از افراد و خانواده‌ها، از بحرانی‌تر شدن اوضاع جلوگیری می‌کند و می‌تواند سبب کنترل عواملی شود که باعث بروز جرم و ناامنی در جامعه بحران‌زده می‌گردد.

۱. دانشجوی دکتری رشته مشاوره دانشگاه آزاد اسلامی واحد یزد، ایمیل: eskandari1000@gmail.com

منابع

- اشتری فرد، حسین؛ فقیه، مجید (۱۳۹۴). ارائه مدل پیشگیری از نگرانی اجتماعی از وقوع جرم و ایجاد امنیت اجتماعی (مطالعه موردی، ساکنین تهران بزرگ)، فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۴۱، ص ۱-۲۲
- بنی فاطمه، حسین؛ سلیمی، آمینه (۱۳۹۰). احساس امنیت اجتماعی جوانان و عوامل اجتماعی مرتبط با آن، مطالعات جامعه‌شناسی، سال سوم، شماره دوازدهم، ص ۵۹-۷۷.
- بیات، بهرام؛ شرافتی پور، جعفر؛ عبدی، نرگس (۱۳۸۷). پیشگیری از جرم با تکیه بر رویکرد اجتماع‌محور، تهران: معاونت اجتماعی ناجا
- حبیب، فرح (۱۳۹۰). نقش شکل شهر در کاهش خطرات ناشی از زلزله، چاپ اول، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم تحقیقات تهران.
- حسینی، قاسم؛ رفعتی اصل، سید عزیز؛ عبادی نژاد، سید علی پسندیده، مریم (۱۳۸۸). بررسی نگرش شهروندان زن تهرانی درباره نقش پلیس زن در امنیت اجتماعی، فصلنامه انتظام اجتماعی، (۱۱)، ص ۷۵-۹۲
- حسینی، ناهید؛ نوبهار، زهرا (۱۳۹۷). الزامات و بایسته‌های پلیس زن برای مبارزه (مقابله-پیشگیری) با مواد مخدر و روان‌گردان، دوفصلنامه مطالعات پلیس زن، سال دوازدهم، شماره ۲۹
- دربان آستانه، علیرضا (۱۳۹۳). ارزیابی و تحلیل احساس امنیت روستاییان نواحی مرزی (مورد مطالعه: استان ایلام)، برنامه‌ریزی فضایی، دوره ۴، شماره ۴
- درستیان، آرزو؛ درستیان، الهام (۱۳۹۰). زلزله، مدیریت بحران و تأثیر مداخلات روانی - اجتماعی بر کاهش اضطراب نجات‌یافتگان، نشریه زمین، دوره ۶، شماره ۲۱، ص ۱۱-۲۵.
- ذوالفقاری، حسین؛ فعال، صیدال (۱۳۹۳). بررسی نقش پلیس در پیشگیری اجتماعی از جرم (مورد مطالعه منطقه ۲ و ۱۲ شهر تهران)، مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۴۱.
- ذوالفقاری، حسین؛ فعال، صیدال (۱۳۹۳). بررسی نقش پلیس در پیشگیری اجتماعی از جرم (مورد مطالعه منطقه ۲ و ۱۲ شهر تهران)، مطالعات امنیت اجتماعی، شماره ۴۱.
- زاهدی، مریم (۱۳۸۸). پلیس زن عامل نظم و امنیت در جامعه، مجموعه مقالات پلیس زن و توسعه امنیت عمومی، تهران: انتشارات دانشگاه علوم انتظامی امین

- زیاری، کرامت‌الله؛ عیوضلو، داوود، عیوض لو، محمود؛ ربکا، جهانبخش (۱۳۹۲). تحلیل تطبیقی احساس امنیت در فضای شهری و روستایی (مطالعه موردی: شهرستان کوهدشت)، پژوهش‌های روستایی، سال ۵، شماره ۱، ص ۱۳۷-۱۶۱
- ساروخانی، باقر؛ هاشم نژاد، فاطمه (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی (مؤلفه‌های آن) و احساس امنیت اجتماعی در بین جوانان شهر ساری، فصلنامه جامعه‌شناسی مطالعات جوانان، سال دوم، شماره دوم، ص ۸۱-۹۴
- سلطانی بهرام، سعید؛ دانش، لیلا؛ علی نژاد، رقیه (۱۳۹۵). مطالعه نقش پیشگیری انتظامی از جرم بر احساس امنیت شهروندان تیریزی، مطالعات جامعه‌شناسی، سال هشتم، شماره بیست و نهم، ص ۳۹-۵۶
- عسکری، امیر (۱۳۹۵). تاب‌آوری و طراحی الگو واکنش‌های روانی-اجتماعی بعد از وقوع زلزله تهران، پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، دوره ۵، شماره ۲، ص ۲۸۷-۳۱۱
- غضنفری، هنگامه؛ قاسمی کیا، محمدمهدی (۱۳۹۴). تأثیر پیشگیری غیرکیفری بر میزان احساس امنیت در میان جوانان شهر بروجرد، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، دوره ۴، شماره ۱، ص ۱۶۷-۱۸۲
- محمد نسل، غلامرضا (۱۳۸۷). پلیس و سیاست پیشگیری از جرم، پلیس پیشگیری ناجا مدبر، لیلا؛ چوپانی رستمی (۱۳۸۹)، پیشگیری اجتماعی از جرائم زنان و دختران (با تأکید بر نقش تعاملی پلیس زن در آن)، پلیس زن، سال چهارم، شماره سیزدهم، ص ۱۰۱-۱۳۱
- نوبهار، زهرا؛ اصغر زاده، سمیه (۱۳۹۵). الزامات به‌کارگیری زنان پلیس در یگان ویژه، دوفصلنامه پژوهش‌های انتظامی - اجتماعی زنان و خانواده، دوره چهارم، شماره دوم، ص ۲۱۶-۲۳۰
- نیازپور، امیرحسین (۱۳۸۳). حقوق پیشگیری از بزهکاری در ایران، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۴۸-۴۹
- یاری، حامد؛ هزار جریبی، جعفر (۱۳۹۱). بررسی رابطه احساس امنیت و اعتماد اجتماعی در میان شهروندان (مطالعه موردی ساکنان شهر کرمانشاه)، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، دوره اول، شماره ۴، ص ۳۹-۵۸

یاری، حامد؛ هزارجریبی، جعفر (۱۳۹۱). بررسی رابطه احساس امنیت و اعتماد اجتماعی در میان شهروندان (مطالعه موردی ساکنان شهر کرمانشاه)، پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، دوره اول، شماره ۴، ص ۳۹-۵۸.

Niland, Carmel (1996). *The impact of police culture on women and their performance in policing*. Sydney: Australian Institute of Criminology (Women Police Conference)

Pantazist Ch(2000) *.Fear of crime, vulnerability and poverty*: British journal of criminology.

Quinn, Ben (2009). *Do Women Make Better Riot Police?* Londen: The Chirstian Science Monitor. August 27 Issue.

